

## Developments of the Contracts In Favour of a Third Party in the Modern Law of Western Systems and Iranian Law

*Mohammad reza pirhadi<sup>1</sup>*

### Abstract

**Field and Aims:** Considering that Commitment in favor of a third party, have numerous examples and it becomes a rule in the new and modern laws of the Western legal system, so this requires a fundamental study to find out a scientific context in the developments of this legal establishment in Iranian law. Accordingly, by studying these issues in the Shia jurisprudence and Iranian legal doctrine, you can find out that commitment in favor of a third party could be a rule not an exception to the principle of privity of contracts and you can see the Wide scope of the capacity status of third-party beneficiary and the different types of acceptance by the third party.

**Methodology:** The author tries by Descriptive- Analytical method to explain the developments of the obligation in favor of a third party in the new law of Western legal systems and their acceptability in Iranian law by studying its history in Iranian law and even show that these concepts in more details have been accepted in Shia jurisprudence.

**Findings and Conclusion:** The undertaking to the prejudice of a third party, undertaking to the act of a third party, and commitment to benefit of a third party are different. On the other hand, in various Shia sources, the validity of the transfer of property and rights and even the peace of disputes in favor of a third-party and the like has been accepted in various instances. Accordingly, it is possible to find out a rule through induction and abolition of specificity. Some examples of Shia jurisprudence indicate the development of the concept of third-party capacity even beyond the new issues of Western legal systems. Also, in Iranian law, the difference between intention in the legal action and legal event can be one of the bases of detailed principles in a third party beneficiary acceptance. Considering the concepts of The undertaking to the prejudice of a third party, undertaking to the act of a third party, and commitment to benefit of a third party and the validity of the transfer of property and rights and even the peace of disputes in favor of a third-party in various cases, in Iranian law

---

1. Assistant Professor of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
r\_pirhadi@yahoo.com



and especially in Shia jurisprudence, Commitment to the benefit of a third party can be considered as a rule, and because of these examples, the capacity of the third-party beneficiary extends to the incapacitated person and even can create a commitment to the benefit of a third party that will exist in the future. On the other hand, third party's acceptance in cases where we give an offer in benefit of a third party is necessary and in cases where there is not an intention in the legal action; in benefit of a third party The acceptance by a third-party beneficiary is not necessary, and in relinquishing the debt of a third party, there would be no need to third party's acceptance finding: The undertaking to the prejudice of a third party, undertaking to the act of a third party, and commitment to benefit of a third party are different. On the other hand, in various Shia sources, the validity of the transfer of property and rights and even the peace of disputes in favor of a third-party and the like has been accepted in various instances. Accordingly, it is possible to find out a rule through induction and abolition of specificity. Some examples of Shia jurisprudence indicate the development of the concept of third-party capacity even beyond the new issues of Western legal systems. Also, in Iranian law, the difference between intention in the legal action and legal event can be one of the bases of detailed principles in a third party beneficiary acceptance.

**Keywords:** commitment to the benefit of a third party, undertaking to the prejudice of a third party, undertaking to the act of a third party, privity of contract, Shia jurisprudence



## تحولات تعهد به نفع ثالث در حقوق نوین نظامهای غربی و حقوق ایران

محمد رضا پیرهادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

**زمینه و هدف:** از آنجا که تعهد به نفع ثالث با ایجاد مصادیق متعدد و قاعده‌انگاری در حقوق نوین نظامهای حقوقی غربی مواجه بوده است و این امر مستلزم بررسی بنیادی به منظور ایجاد زمینه علمی در توسعه مصادیق این تأسیس حقوقی و سایر تحولات آن در حقوق است، لذا با بررسی این مطالب در آثار فقهی امامیه و دکتین حقوقی ایران تلاش در قاعده‌انگاری تعهد به نفع ثالث و چگونگی اهلیت ذی‌نفع ثالث و انواع قبول از سوی ثالث امری ضروری است و بر این اساس، در این مقاله با طرح این مباحث سعی در اثبات قاعده و توسعه مفهوم اهلیت ثالث و تفصیل در مفهوم قبول صورت گرفته است.

**روش پژوهش:** نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی با بیان تحولات تعهد به نفع ثالث در حقوق نوین نظامهای حقوقی غربی و بررسی سوابق آن در حقوق ایران، درصدد تبیین این تحولات و قابلیت پذیرش آن در حقوق ایران و حتی بیان مفصل‌تر بودن این مفاهیم در سوابق فقهی امامیه برآمده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** تعهد به ضرر ثالث و تعهد به فعل ثالث و تعهد به نفع ثالث متمایز است. از سویی، در منابع متعدد امامیه اعتبار تملیک مال و حق و حتی صلح دعوا به نفع ثالث و نظایر آن در مصادیق متعدد پذیرفته شده است. بر این اساس، به طریق استقرا و الغای خصوصیت، تبیین یک قاعده میسر است. برخی از مصادیق فقه امامیه حاکی از توسعه مفهوم اهلیت ثالث حتی فراتر از مباحث نوین نظامهای حقوقی غربی است. همچنین، در حقوق ایران تمیز اراده انشایی و غیرانشایی می‌تواند از مبانی تفصیل در قبول ذی‌نفع ثالث باشد. با توجه به تمیز مباحث تعهد به ضرر ثالث، تعهد به فعل ثالث و تعهد به نفع ثالث و اعتبار تملیک مال و حق و انواع صلح به نفع ثالث، در مصادیق متعدد، در حقوق ایران و خصوصاً در فقه امامیه، می‌توان تعهد به نفع ثالث را یک قاعده محسوب و با لحاظ این مصادیق، اهلیت ذی‌نفع ثالث را به اهلیت تمتع و حتی ایجاد تعهد به نفع ثالثی که در آینده موجود خواهد شد، تسری داد. از طرفی، قبول ثالث در مواردی که این قبول عملی انشایی است، قبول ثالث را ضروری دانسته و در مواردی که قبول یا رد جنبه انشایی ندارد، لفظ قبول را یک مشترک لفظی محسوب داشت و بر آن بود که در مواردی که قبول از سوی ذی‌نفع ثالث لازم نیست، مثل ابرادین ثالث، نیازی به قبول ثالث نخواهد بود.

**کلمات کلیدی:** تعهد به نفع ثالث، تعهد به ضرر ثالث، تعهد به فعل ثالث، اصل نسبی بودن قراردادهای فقه امامیه.

۱. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. r\_pirhadi@yahoo.com



## مقدمه

برخلاف دیدگاهی که تعهد به نفع ثالث را استثنایی بر اصل نسبی بودن قرارداد می‌دانست، امروزه در حقوق موضوعه‌ی برخی از کشورهای غربی بر آنند که چنین دیدگاهی قابل قبول نیست و جامعه‌ی مدرن با مصادیق متعدد و متنوعی از تعهد به نفع ثالث مواجه است و بر این اساس، دیدگاه سابق را مردود دانسته‌اند و در برخی از قوانین موضوعه اخیر، سعی در بیان قاعده‌ای در این خصوص شده است. (Hallebeek, Dondorp, 2008: 138) برخی از حقوقدانان ایرانی تعهد به نفع ثالث را استثنایی بر اصل نسبی بودن قرارداد تلقی و در این خصوص که آیا تعهد به نفع ثالث می‌تواند یک قاعده باشد، اظهارنظری نکرده‌اند (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۶۹ به بعد). برخی نیز تعهد به نفع ثالث را استثنا بر اصل نسبی بودن تلقی و بر آنند که در موارد استثنایی و گاهی برخلاف قاعده، ممکن است اثر قرارداد به اراده‌ی طرفهای قرارداد به سود شخص ثالث در عالم حقوق تسری کند (شهیدی، ۱۳۸۲: ۲۹۵). در عین حال، با بیانی نه چندان صریح بر آنند که امروزه نهادهای سودمند و ضروری مثل بیمه عمر از پذیرش قاعده‌ی ثانوی، تسری آثار قرارداد به سود اشخاص ثالث منشا می‌گیرد (شهیدی، ۱۳۸۲: ۳۱۹). برخی از حقوقدانان ایرانی نیز ضمن این که تعهد به نفع ثالث را استثنایی بر اصل نسبی بودن تلقی نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۶۷)، ولی با وجود این، بر آنند که امکان تعهد به سود ثالث یک قاعده عمومی است و ذیل موارد شایع استفاده‌ی عملی هفت مورد<sup>۱</sup> را بیان نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۷۲ و ۳۷۳). مع الوصف، به جهت محدودیتهای زمانه در بررسی وسیع در منابع فقهی و بدون توجه به روش بیان فقها که این بحث را به صورت مصداقی و پراکنده بیان نموده‌اند و بدون استقراء در متون فقهی که البته، امروزه با نرم‌افزارهای فقهی، چنین استقرایی به سهولت بیشتری فراهم شده است، بر آن بوده‌اند که

۱- این هفت مورد عبارتند از: ۱- بیمه‌ای که ذینفع آن شخص ثالث است ۲- بخشش مالی به شخصی و متعهد نمودن او به تعهداتی به نفع ثالث ۳- صلح مالی به دیگری و تعهد متصالح به نفع ثالث ۴- شرط ضمنی با متصدی حمل در تعهد ایمنی جان و سلامت مسافران که به نفع خویشان و طلبکار نفقه از آنان است ۵- شرط فرستنده‌ی کالا با متصدی حمل به نفع گیرنده‌ی کالا ۶- باز کردن حساب بانکی توسط پدر و برای خود او و اختصاص سود آن به فرزند ۷- فروش خانه‌ای که در اجاره است و شرط با خریدار که اجاره را تا مدتی ادامه دهد.



علاوه بر این که قانون مدنی ایران در این مورد ناقص است، در فقه نیز شرط به سود ثالث سابقه‌ی چندان روشنی ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۶۵). در این مقاله به روش استقراء در مباحث فقهی خواهیم دید که فقها مصادیق متعدد و متنوعی را که ذیل عناوین کلی مناسب خود قرار می‌گیرند، بررسی نموده‌اند؛ به نحوی که بی‌تردید باید گفت که تعهد به نفع ثالث در فقه امامیه قاعده‌ی عامی است و استثنای بر این قاعده مربوط به حالتی است که چنین تعهد یا حقی را برای هیچ شخصی حتی خود طرفین قرارداد پایه نمی‌توان ایجاد کرد.

### ۱- قاعده‌انگاری تعهد به نفع ثالث در حقوق نوین نظامهای غربی

با بررسی تاریخ تحولات بحث تعهد به نفع ثالث، در نظام‌های مختلف حقوقی، برخی به درستی برآند که برخلاف این که تعهد به زیان شخص ثالث قطعاً یک استثناء بر اصل نسبی بودن قراردادها است، تعهد به نفع شخص ثالث نمی‌تواند یک استثناء بر اصل نسبی بودن قراردادها باشد و در عمل نیز نظام‌های مختلف حقوقی با وضع مقرراتی و یا با تغییراتی در دکترین و تبعاً در رویه قضایی، این امر را پذیرفته‌اند. (Hallebeek, Dondorp, 2008: 138) در حقوق فرانسه نیز تدوین طرح اصلاحی حقوق تعهدات (اوان پروژه) گرایش دکترین و رویه‌ی قضایی را در این خصوص منعکس کرده است. (Ibid, 138) از حقوقدانان فرانسوی نیز حتی حفظ اصل نسبی بودن قراردادها در کنار تعهد به نفع ثالث را در این طرح اصرار بی‌مورد تلقی کرده‌اند و برآند که در فرضی که ادعا شود که تعهد به نفع ثالث، استثناء بر اصل نسبی بودن قراردادها است، در عمل این استثنائات چنان زیاد است که چنین سخن و اصراری را بیهوده می‌کند. و اصرار بیجا در این خصوص را ناشی از عدم توجه دقیق به تفکیک تعهد به زیان ثالث و تعهد به نفع ثالث دانسته‌اند که اولی مصداق استثناء بر اصل نسبی بودن است، ولی دومی چنین نیست و خود یک قاعده است. (Cartwright, 2009: 235-270) بنا به دیدگاه جدید حقوقدانان فرانسوی، قانون تعهدات فرانسه نیز اصلاح گردیده و در مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۵ بین تعهد به ضرر ثالث و تعهد به نفع ثالث تمایز قایل شده و ماده‌ی ۱۲۰۵ تعهد به نفع ثالث را نه به عنوان استثنا بر اصل نسبی بودن قراردادها، بلکه به طور کلی معتبر دانسته شده است. در این خصوص باید افزود که در یک بیان کلی و دقیق‌تر می‌توان گفت اثر تعهد



نسبت به ثالث، در قالب تعهد به ضرر ثالث یا تعهد به فعل ثالث و یا تعهد علی سویه برای ثالث که نه به ضرر و نه به نفع او است و تعهد به نفع ثالث، قابل طرح و تحقق است. تعهد به فعل ثالث نیز امروزه امری استثنایی تلقی نمی‌شود و خود این موضوع به عنوان قاعده و مضمون قواعد عمومی قراردادها است (ایزانلو، ۱۳۸۶: ۱-۳۸). در مورد تعهد علی سویه برای ثالث نیز مصادیق قانونی متعدد وجود دارد و در مورد تعهد به زیان ثالث که استثناء بر اصل نسبی بودن قراردادها است، صرفاً با حکم قانون گذار میسر است و اعتبار آن مستلزم وجود نص مثل ماده‌ی ۸۴ قانونی دریایی و تجویز فروش محموله و هزینه‌ی آن برای تعمیر کشتی است (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۳۲۰)؛ ولی تعهد به نفع ثالث قاعده‌ی عامی است. برخی از حقوقدانان فرانسه برآنند که حقوقدانان فرانسوی، حتی پیش از سال ۱۹۳۴ بر مبنای اجتماعی نمودن قراردادها، به اصل اثر نسبی بودن قراردادها ایراد گرفته و بر آن تاخته‌اند. مضافاً این که نه قانون مدنی جدید هلند در مجموعه‌ی حقوق قراردادهای مصوب ۱۹۹۲ و نه پیش‌نویس اخیر حقوق قراردادهای اروپا و یا حتی پیش‌نویس حقوق قراردادهای جهانی، هیچ یک، دارای عباراتی دال بر استثنایی بودن تعهد به نفع ثالث نیست (Cartwright, 2009: 235-270). مواد ۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه نیز مهر تأیید قطعی بر این تمایل قانونگذار فرانسوی است. در حقیقت، ماده‌ی ۴۲ طرح آکادمی حقوقدانان خصوصی اروپا، که با همکاری پروفیسور گاندولفی تهیه و تنظیم شده است، تماماً از اقتباس قاعده‌ای مبتنی بر ماده‌ی ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه و ماده‌ی (۲) ۱۳۷۲ قانون مدنی ایتالیا (که ظهور در استثنایی بودن تعهد به نفع ثالث دارد)، منحرف شده و بیان می‌دارد که: «در آثار ناشی از قراردادها، یک قرارداد به طریقی که در مقررات فصل حاضر آمده است، آثاری را به نفع شخص ثالث ایجاد می‌نماید». به نظر برخی، با چنین عبارت‌پردازی در این مقرر، این آکادمی درصدد بوده است که با بحث حقوق اشخاص ثالث به وجه مثبتی و نه به صورت منفی برخورد کند؛ تا بدین ترتیب با قاعده تلقی کردن تعهد به نفع ثالث، از شیوه‌ی ایجاد استثناهایی بر قاعده‌ی مربوط به اشخاص ثالث اجتناب ورزد. (Ibid, 235-270)

در ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی آلمان، تعهد به نفع ثالث به نحوی بیان شده است که چنین عبارتی برای حقوقدان رومی که قایل به استثنایی بودن تعهد به نفع ثالث بود، قابل فهم نبوده



و این ماده مستقیماً به ذینفع ثالث اختیار تقاضای اجرای تعهد از متعهد را داده است. و قراردادهای مدرن به نفع ثالث، کاملاً متحول شده و اصل نسبی بودن قراردادها در مورد تعهد به نفع ثالث متروک شده است. (Zimmermann, 1992: 34-41) در حقوق کامن لان نیز برخلاف گذشته، در قانون اشخاص ثالث مصوب ۱۹۹۹ در حقوق انگلیس، تغییری بنیادی در اصل نسبی بودن آثار قراردادها ایجاد شده است و به طور وسیع و عام به ثالث ذینفع حق طرح دعوا علیه متعهد را می‌دهد. (Treitel, 2003: 651 & Stone, 2009: 193) در حقوق امریکا نیز در نسخه اول مجموعه مقررات حقوقی مربوط به قراردادها که توسط مؤسسه حقوق امریکا تنظیم و در سال ۱۹۳۲ منتشر شده است، ثالث به طور کلی به سه گروه منتفع طلبکار، منتفع متهب و منتفع اتفاقی دسته‌بندی شدند و در نسخه دوم این مجموعه مقررات که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد، نه تنها امکان تعهد به نفع ثالث را مورد شناسایی قرارداد، بلکه منتفع مقصود را نیز تبیین نمود (شیروی، ۱۳۸۴: ۳۶). از این رو، در منابع جدید این نظامهای حقوقی، تعهد به نفع ثالث امری استثنایی تلقی نمی‌شود.

## ۲- قاعده‌انگاری تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، مصادیق متعددی وجود دارد که طرفین یک قرارداد پایه می‌توانند توافقی نمایند و بر اساس آن تعهد به نفع ثالث را محقق نمایند. در این قسمت، با بررسی این مصادیق در صدد تبیین قاعده در نزد حقوق ایران خواهیم بود.

### ۲-۱- مصادیق بارز تعهد به نفع ثالث در فقه امامیه

#### ۲-۱-۱- تملیک مال به نفع ثالث

تملیک مال به نفع ثالث ممکن است به صورت تملیک منفعت (اجاره) یا تملیک عین (در قالب هبه یا بیع) و یا عقد صلح باشد که در سه قسمت بررسی می‌گردد.

#### ۲-۱-۱-۱- تملیک منفعت (اجاره) به نفع ثالث

در ماده‌ی ۵۱۲ ق.م. در عقد اجاره‌ی مطلق، با انعقاد عقد، مستأجر مالک عمل اجیر و







## ۲-۱-۱-۲- تملیک عین به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، ممکن است در قرارداد پایه‌ای طرفین توافق نمایند و یکی از آنها عین مالی را به ثالثی تملیک کند. این تملیک ممکن است به صورت هبه به نفع ثالث یا فروش مجدد مالی به ثمن معین و مناسبی به نفع ثالث و یا تملیک به صورت شرط نتیجه به ثالث باشد. در این قسمت، مصادیقی از تملیک عین به نفع شخص ثالث که در فقه امامیه به تناسب زمان، محل توجه فقها بوده است، بررسی می‌شود.

## ۲-۱-۲-۱-۲- شرط هبه به نفع شخص ثالث

فقیهان امامیه شرط اعطا مالی به فقیر را معتبر دانسته‌اند. همچنین، هبه‌ی شی‌ای به شخص ثالث مثل این که در عقد بیع یکی از طرفین بر دیگری شرط کند که او چیزی را به شخص ثالث اعطا نماید، معتبر تلقی کرده‌اند. در این حالت، خود شرط‌کننده‌ی به نفع ثالث و شخص ثالث مشروط‌اله هستند (یزدی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۱۹).

## ۲-۲-۱-۱-۲- تملیک عین معین به صورت شرط نتیجه به نفع شخص ثالث

فقیهان امامیه، شرط ملکیت برای شخص ثالث را تحت عنوان "اشترای الغایات" بحث نموده و آن را معتبر می‌دانند (الانصاری، ۱۴۲۰: ۶۱). در مورد تملیک مال معین به شخص ثالث، برخی از حقوقدانان برآنند که شرط تملیک به نفع شخص ثالث از مصادیق شرط به نفع ثالث است و چنانکه بر یکی از طرفین معامله شرط شود که مال معینی متعلق به شخص ثالث باشد، به نفس اشترای، مال مورد شرط از آن شخص ثالث می‌گردد و احتیاج به قبول او نخواهد داشت. با وجود این، برخی برآنند که ماده‌ای که صراحتاً شرط مزبور را صحیح بدانند، در قانون مدنی وجود ندارد، ولی از نظر وحدت ملاک با صورت قبل (شرط فعل به نفع ثالث) می‌توان از ماده‌ی ۱۹۶ صحت آن را استنباط نمود (امامی، ۱۳۷۱: ۲۹۲-۲۹۳). در این خصوص، برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که شرط ملکیت به سود شخص ثالث مشمول ماده‌ی ۱۹۶ ق.م.ن بوده و ماهیت قراردادی دارد و در حکم ایجاب هبه به سود او است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۶۹). باید افزود طرفین قرارداد پایه می‌توانند به حالات مختلف



توافق نمایند و امکان یکی از این حالات نافی امکان تحقق حالت دیگر نیست. و تملیک به صورت شرط نتیجه به نفع ثالث ممکن است به صورت هبه‌ی مجانی و یا هبه به شرط عوض به نفع ثالث و یا تملیک مستقیم به صورت شرط نتیجه به نفع ثالث باشد.

#### ۲-۱-۱-۳- تملیک عین کلی به نفع ثالث

از مصادیق شرط نتیجه به نفع ثالث در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، می‌توان به اشتغال ذمه‌ی مشروط علیه به درهمی برای زید یا این که شخصی ملک خود را به پسر خود هبه و شرط کند که مثلاً یک تومان بعد الموت شارط، مشروط علیه به دختر او بدهد، اشاره کرد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۶۹). التزام و تعهد مشروط علیه به دادن پولی به ثالث مصداق التزام به دادن مال کلی است (پیرهادی، ۱۳۹۴: ۳۳-۴۲).

#### ۲-۱-۱-۴- ایجاد ملکیت عین به صورت یکی از عوضین عقد پایه برای ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، قاعده این است که عوض وارد ملک کسی می‌شود که معوض از ملک او خارج می‌گردد. ماده‌ی ۱۹۷ ق.م. بیانگر این قاعده است. پرسش این است که آیا ممکن است که در قرارداد پایه‌ای توافقی خلاف این صورت گیرد؛ یعنی توافق شود که با پرداخت عوض به جای آن که معوض ملک پرداخت‌کننده گردد، مستقیماً ملک ثالث شود. پاسخ این سوال مثبت است و به نظر اقواء، اینکه خروج مال از ملک کسی، مقتضی این است که معوض وارد ملک او شود، این قاعده، مقتضی اطلاق عقد بیع است. از این رو، توافق برخلاف آن، شرط خلاف مقتضای ذات عقد یا شرط باطل و یا باطل و مبطل نیست و ممکن است بنا به توافق و اراده‌ی مالک، عوض (یا معوض) به مالکیت مالک معوض (یا عوض) وارد نگردد و بنا بر اراده‌ی مالک، عوض (یا معوض) مستقیماً وارد ملک دیگری شود (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۰۶).

#### ۲-۱-۱-۳- تملیک کل مایملک در قالب صلح به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، تملیک ممکن است در قالب صلح مالی بر دو فرزند و



تعهد به صلح حصه هر یک به دیگری در صورت مقطوع‌النسل بودن یکی تا مدت معین صورت گیرد. به تعبیری، اگر شخصی تمام مایملک خود را صلح کند به دو نفر از اولاد خود و بر آنها شرط کند که اگر تا مدت سی سال یکی از آنها صاحب نسل نباشد، حصه‌ی خود را به آن دیگری که صاحب نسل است، مصالحه کند (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۰۶). به عبارتی، با توجه به این که در مصالحه به سود دیگری، هر یک از دو فرزند بیگانه (ثالث) است، می‌توان چنین قراردادی را تعهد به نفع شخص ثالث محسوب نمود (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۷). علاوه بر این، در فرضی که یکی از فرزندان مقطوع‌النسل باشد و در خلال سی سال فرزند دوم که دارای نسل است، فوت نماید، ورثه‌ی متوفی نیز ثالث محسوب خواهند شد.

## ۲-۱-۲- صلح بر سقوط دعوا به نفع ثالث (صلح دعوا بین مدعی و بیگانه، به نفع ثالث، مدعی علیه)

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه و با توجه به ماده‌ی ۷۵۲ ق.م. که ممکن است که عقد صلح بین مدعی و بیگانه‌ای صورت گیرد و در اثر آن تنازع بین مدعی و مدعی علیه خاتمه یابد و موضوع این صلح ممکن است عین یا دین باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۳۲۱). به تعبیر فقهای امامیه، اگر دعوی نسبت به عین یا دین بین مدعی و منکر (مدعی علیه) باشد و بیگانه‌ای به نفع منکر (مدعی علیه) با مدعی مصالحه کند، با اذن باشد یا بدون اذن، چنین صلحی نسبت به این ادعا صحیح و معتبر است. و این به معنای ادای دین است (العاملی، ۱۴۱۲: ۳۲۷-۳۲۸). از این دیدگاه، وقتی شخص مدعی، ادعای عین و یا دینی را بر مدعی علیه دارد، ممکن است با بیگانه‌ای در قالب عقد صلح به نفع مدعی علیه توافقی کند که نتیجه‌ی آن زوال ادعای مدعی و مصالحه با بیگانه به صورت دریافت مالی از بیگانه در قبال عین یا دین مورد ادعا است که به این ترتیب مدعی علیه، به عنوان ثالث، از این توافق منتفع می‌گردد.

## ۲-۱-۳- تعهد به فعل حقوقی به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، اعتبار تعهد به فعل، به صورت تعهد به فعل حقوقی



مثبت و منفی به نفع ثالث و همچنین، تعهد به فعل مادی مثبت و منفی به نفع ثالث بررسی شده است.

### ۲-۱-۳-۱- تعهد به فعل حقوقی مثبت به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، مصادیقی از تعهد به نفع ثالث به صورت تعهد به فعل مثبت حقوقی نیز مورد توجه قرار گرفته است که در این قسمت بررسی می‌شود.

### ۲-۱-۳-۱-۱- تعهد به فروش مجدد مبیع از سوی خریدار به شخص ثالث

حال سوال این است که آیا بایع می‌تواند بر مشتری شرط کند مبیع را به ثمن مناسبی به شخص ثالث بفروشد؟ برخی از فقهای امامیه در پاسخ به صحت یا عدم صحت این شرط برآند که: اگر شرط کند که مبیع را به دیگری به نرخ معینی بفروشد، این نزد ما صحیح است؛ زیرا این شرط منافاتی با کتاب و سنت ندارد (العلامة الحلی، ۱۳۷۲: ۲۵۱-۲۵۳). به نظر این شرط تعهد به عمل حقوقی بیعی است که ارکان عقد بیع خصوصاً میزان ثمن یا حداقل روش تعیین آن معلوم شده است.

### ۲-۱-۳-۱-۲- تعهد در عقد مضاربه برای خرید از ثالث یا فروش به شخص ثالث

به نظر فقیهان امامیه، عقد مضاربه قابلیت آن را دارد که در ضمن آن، شروط صحیح درج شود. مثل این که طرفین عقد مضاربه شرط کنند که شخص عامل با مال مضاربه ... فقط از شخص معینی کالا بخرد، ... یا فقط به شخص معینی بفروشد (العلامة الحلی، ۱۴۱۹: ۳۳۱). تعهد به خرید از شخص معین یا فروش به شخص معین، مصداق تعهد به عمل حقوقی بیع است و ممکن است که خرید از شخص معین یا فروش به شخص معین به نفع آنها و مصداق تعهد به نفع ثالث باشد.

### ۲-۳-۱-۲- تعهد به فعل حقوقی منفی (ترک فعل حقوقی) به نفع ثالث

در نزد امامیه تعهد به نفع ثالث ممکن است به صورت تعهد به فعل حقوقی منفی و یا ترک



فعل حقوقی به نفع ثالث باشد. لیکن از آنجا که مصادیق این بحث در مثالهای شرط عدم فروش عبد یا عتق او به شرط عدم فسخ عقد نکاح (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۰-۱۳۱) مطرح شده است، به جهت عدم موضوعیت آن در زمان حاضر نیاز به شرح مفصل ندارد.

#### ۲-۱-۳-۲-۱- تعهد به عدم فروش

از نظر امامیه اگر در ضمن عقد بیعی که موضوع آن عبد است، تعهد و شرط شود که خریدار او را به دیگری نفروشد، این شرط معتبر است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۰). شرط عدم فروش در صورتی که بقای در ملکیت خریدار، نفعی برای عبد داشته باشد، مصداق تعهد به ترک فعل حقوقی منفی به نفع ثالث است.

#### ۲-۲-۳-۱-۲- تعهد به عدم ازدواج مجدد به نفع ثالث

برابر روایات امامیه، اگر کسی با عبد خود شرط کند که در قبال آزاد نمودن او، بر سر دختر او هب و نیاورد، این شرط معتبر است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۱). هب و نیاوردن بر سر دختر مالک که شرط عدم ازدواج مجدد است، مصداق تعهد به ترک فعل حقوقی به نفع ثالث است.

#### ۲-۱-۴-۲- تعهد به فعل حقوقی عینی و تعهد به ترک فعل حقوقی عینی به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، تعهد به فعل حقوقی عینی و تعهد به ترک فعل حقوقی عینی به نفع ثالث نیز مصادیقی دارد که در ذیل بررسی شده است.

#### ۲-۱-۴-۱-۲- تعهد به هبه به نفع شخص ثالث (تعهد به فعل حقوقی عینی به نفع شخص

ثالث)

فقیهان امامیه شرط اعطای مالی به فقیر را معتبر دانسته‌اند. همچنین، هبه‌ی شئی‌ای به شخص ثالث مثل این که در عقد بیع، یکی از طرفین بر دیگری شرط کند که او چیزی را به شخص ثالث اعطا نماید، معتبر تلقی کرده‌اند. در این حالت، شرط‌کننده‌ی به نفع ثالث و شخص ثالث مشروط له هستند (یزدی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۱۹). در این حالتها،



مشروط علیه متعهد است مالی را به طور مجانی به دیگری صدقه دهد یا هبه کند. به عبارت دیگر، آنچه بر عهده‌ی مشروط علیه است، بیان ایجاب این دو عمل حقوقی و اقباض موضوع آن است، بدیهی است که قبول آن با شخص ثالث است. تعهد مشروط علیه مصداق تعهد به فعل حقوقی عینی به نفع ثالث است.

۲-۴-۱-۲- تعهد به عدم هبه به نفع ثالث (تعهد به ترک فعل حقوقی عینی به نفع ثالث)  
از نظر امامیه، اگر در ضمن عقد بیعی که موضوع آن عبد یا امه است، توافق و شرط شود که خریدار او را به کسی هبه نکند، این شرط معتبر است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۰). این تعهد مصداق تعهد به ترک عمل حقوقی عینی منفی است و در صورتی که عدم هبه نفعی برای عبد یا امه داشته باشد، مصداق تعهد به ترک فعل حق عینی به نفع ثالث خواهد بود.

#### ۲-۱-۵- تعهد به فعل مادی به نفع ثالث

در فقه امامیه تعهد به نفع ثالث مصداقی از تعهد به فعل مادی به نفع ثالث نیز مورد توجه بوده است. این مصداق بیشتر شامل تعهد به فعل مادی مثبت است؛ به نظر این امر نافی اعتبار تعهد به فعل مادی منفی به نفع ثالث نخواهد بود. در این قسمت این مصداق بررسی شده است.

#### ۲-۱-۵-۱- انجام عمل در جعاله برای شخص ثالث

مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ ق.م. تعریف و طرفین جعاله را بیان کرده است. با توجه به مباحث مطرح در فقه امامیه، (المحقق الحلی، ۱۴۰۳: ۷۰۷)، جاعل می‌تواند عمل عامل را برای خود یا ثالث درخواست کند. از این رو، هر شخص واجد صلاحیتی می‌تواند اعلام کند که اگر کسی مثلاً مال شخص ثالث را پیدا کند، من مبلغ معینی را به عنوان جعل به عامل پرداخت خواهم نمود. این جعاله به نفع شخص ثالث (مالک مال) و صحیح است و با تسلیم مال، شخص عامل، مستحق مال الجعل خواهد بود. اطلاق این مواد شامل هر دو حالت (عمل برای خود جاعل و یا عمل برای ثالث) خواهد بود. در حالت درخواست عمل برای شخص ثالث، با انجام عمل



از سوی عامل، عوض آن را متقاضی عمل به او پرداخت می‌کند، ولی اثر عمل که فعل مادی مثبت است متعلق به ثالث خواهد بود.

#### ۲-۱-۵-۲- شرط ضمن نکاح به انجام عملی توسط زوج برای پدر زوجه (ثالث)

در فقه امامیه به تعبیر برخی هرگاه مهر چیزی باشد که مهر کردن آن صحیح باشد و زوجه در ضمن عقد شرط کند که زوج عملی را برای پدر او انجام دهد، چنین مهر و شرطی صحیح است. (قمی، بی تا: ۳۱۶) انجام عمل برای پدر زوجه می‌تواند شامل اعمال مادی مثبت یا منفی باشد.

#### ۲-۱-۶- شرط تعهد به ایقاع و تعهد به ترک ایقاع به نفع ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، مصادیقی از تعهد به ایقاع و ترک ایقاع به نفع ثالث مورد توجه و معتبر تلقی شده است که دو مصداق آن در ذیل بررسی شده است.

#### ۲-۱-۶-۱- تعهد به ایقاع ضمن عقد بیع به نفع ثالث

در فقه امامیه یکی از مصادیق تعهد به نفع ثالث حالتی است که در ضمن عقد بیع بین طرفین قرارداد توافق و شرط می‌شود که خریدار بعد از عقد بیع، ایقاعی (مثل عتق یا ابراء ذمه ثالث) را انجام نماید (یزدی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). و بنا بر مستندات و روایات وارده، در اعتبار این شرط تردیدی نیست (العلامة الحلی، ۱۳۷۲: ۲۶۷). انجام این شرط یک عمل حقوقی با اراده‌ی انشایی واحد است؛ و معتبر است.

#### ۲-۱-۶-۲- شرط عدم فسخ به نفع شخص ثالث

فسخ عمل حقوقی است که با یک اراده محقق می‌گردد و ایقاع است. و تعهد به عدم فسخ تعهد به ترک ایقاع است و ممکن است چنین تعهدی به نفع ثالث صورت گیرد. در فقه امامیه برآنند که اگر شخصی غیر از وکیل در ضمن عقدی با موکل شرط کند که او وکیل خود را عزل نکند و به تعبیری موکل تعهد به عدم عزل وکیل (ثالث) کند. چنین تعهدی به نفع وکیل



مصادق شرط عدم فسخ به نفع شخص ثالث و معتبر است و با تحقق چنین شرطی (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۰: ۱۸۹)، با اقدام موکل به عزل، وکیل منعزل نخواهد شد.

## ۲-۱-۷- ایجاد یا اسقاط حق برای ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، مصادیق ایجاد حق یا اسقاط حق به نفع ثالث را نیز معتبر است. مضافاً، ابراء دین ثالث به نفع ثالث که به تعبیر برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۶۷-۳۶۸) حتی نیاز به قرارداد پایه ندارد نیز در فقه امامیه و حقوق ایران معتبر است. در این قسمت این مصادیق بررسی شده است.

## ۲-۱-۷-۱- شرط خیار (حق فسخ) برای شخص ثالث

نزد فقهای امامیه تردیدی در صحت شرط خیار برای شخص ثالث وجود ندارد (الإصفهانی، ۱۴۱۸: ۴۲-۱۷۹). ولی فقیهان امامیه در مورد ماهیت این شرط اختلاف نظر دارند. برخی آن را از باب تملیک حق، برخی توکیل و دسته‌ای دیگر، که غالب فقیهان هستند، تحکیم دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۴۲۲). خیار شرط در برابر سایر خيارات این ویژگی را دارد که ساخته تراضی دو طرف عقد است و در صورتی ایجاد می‌شود که دو طرف آگاهانه درباره آن تصمیم گرفته باشند. حکومت اراده واقعی بر خیار شرط سبب شده است که، برخلاف سایر خيارات، به شخص ثالث نیز تعلق گیرد، بدون این که صاحب خیار قائم مقام یا نماینده یکی از دو طرف متقابل در قرارداد باشد. ماده ۳۹۹ ق.م. در این باره مقرر می‌دارد: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۷۶). حق فسخ عقد در عقود معاوضی و مالی، حقی مالی محسوب می‌گردد، با وجود این، چنین حقی مالیت ندارد و قابل تقویم نیست و از این رو، نمی‌تواند مثلاً ثمن در عقد بیع قرار گیرد، اما می‌تواند در عقد صلح یکی از عوضین باشد. این حق همانطور که ممکن است برای طرفین یک توافق ایجاد گردد، می‌تواند برای ثالث نیز ایجاد شود. در این صورت، ثالث سلطه و اقتدار فسخ عقد را به اراده‌ی یکجانبه خواهد داشت.





## ۲-۱-۷-۲- شرط سقوط خیار به نفع شخص ثالث

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، تعهد به نفع ثالث ممکن است به صورت شرط سقوط خیار به نفع ثالث محقق گردد. مصداق آن در روایات موجود به این صورت است: غلامان و کنیزانی که ازدواج کرده‌اند، در صورت آزاد شدن حق فسخ عقد نکاح را به لحاظ حدوث کمال و زوال اجبار دارند (الجبعی العاملی، ۱۴۱۰: ۳۲۴)؛ ممکن است کسی به آنان مالی دهد تا خود را آزاد کنند و ضمن آن شرط شود که خیار آنان در فسخ نکاح، ساقط گردد. این شرط حسب مورد به نفع ثالث که زوج یا زوجه‌ی آنان است، خواهد بود. بی‌تردید، سقوط خیار فسخ عقدی به نفع ثالث منحصر به این مثال و این مصداق نیست و اگر در هر عقدی کسی خیار فسخ داشته باشد، شخص دیگری می‌تواند با او توافق نماید که خیار او به نفع من علیه الخیار ساقط گردد و در واقع، اراده‌ی ذوالخیار به صورت شرط نتیجه‌ی یک عمل حقوقی آن را ساقط می‌کند.

## ۲-۲- استخراج قاعده از مصادیق در حقوق ایران

با ملاحظه مصادیق تعهد به نفع ثالث در نزد امامیه می‌توان گفت، به طور کلی تملیک منفعت اعم از منفعت شخص و شیء به نفع ثالث معتبر است و از این رو، اگر شخصی اقدام به اجاره‌ی شخصی نماید و توافق شود که اجیر کار را برای ثالثی انجام دهد یا منفعت او برای ثالث باشد، معتبر است و یا اگر شخصی مکانی را اجاره کند و توافق شود که ثالثی از آن استفاده نماید، چنین توافقی به نفع ثالث، صحیح است و یا اگر شخصی مثلاً بلیط قطار یا هواپیما یا اتوبوس و یا سینما و نظایر آن را برای ثالثی تهیه نماید و بهای آن را خود تهیه‌کننده پرداخت نماید، در عرف جامعه اسلامی و در نزد فقها و حقوق ایران تمام این مصادیق معتبر است و هیچ شخص آشنا به فقه امامیه و حقوق ایران و عرف جامعه‌ی ایران در اعتبار اجاره‌ی این موارد به نفع ثالث تردیدی ندارد. مضافاً، با توجه به مصادیق توافق بر منفعت اجیر برای ثالث، می‌توان گفت که توافق دو شخص بر این که منفعت یکی از آنها برای عموم (امور عام‌المنفعه) و یا برای شخص معین و یا حتی شخصی که در آینده متولد می‌شود نیز معتبر است. همچنین، در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، تملیک عین به ثالث و همچنین، تعهد به تملیک عین به ثالث معتبر است. علاوه بر این، در فقه امامیه و تبعاً در حقوق ایران، توافق به نفع ثالث ممکن



است با زوال دعوای علیه ثالث و با تثبیت مالکیت بر اموال موضوع دعوا به نفع ثالث و یا تأدیه دین ثالث محقق گردد. همچنین، تعهد به فعل، اعم از تعهد به فعل حقوقی مثبت و منفی و تعهد به فعل مادی مثبت و منفی و تعهد به فعل یا ترک فعل حقوقی عینی مثبت و منفی در نزد امامیه و حقوق ایران می‌تواند به نفع شخص ثالث مورد توافق قرار گیرد. علاوه بر این موارد، تعهد به ایقاع و تعهد به ترک ایقاع به نفع ثالث در نزد امامیه و حقوق ایران معتبر است. مضافاً، ایجاد حق یا اسقاط حق به نفع ثالث و ابراء دین ثالث به نفع ثالث نیز در فقه امامیه و حقوق ایران معتبر است. تعهد به امر احتمالی مثل تعهد به دادن نفقه ثالث یا دادن ربح مضاربه به ثالث و نظایر آن نیز در فقه امامیه و حقوق ایران معتبر است. باید افزود وقتی که تعهد به فعل حقوقی به نفع ثالث معتبر است، این عمل در بردارنده‌ی حالت ایجاب به نفع ثالث است و در نتیجه، اگر توافقی به نفع ثالث با عنوان ایجاب مالی به نفع ثالث صورت گیرد، بی‌تردید معتبر خواهد بود. مضافاً، وقتی تعهد به فعل ثالث و تعهد به ایجاب به نفع ثالث معتبر است، تعهد به مجموع این دو به صورت یک کاسه مثل تعهد یک‌جانبه به نفع ثالث نیز معتبر خواهد بود. در صورتی که در قرارداد پایه‌ای یک طرف متعهد گردد که ایجاب تملیک مالی را به ثالث ابراز نماید. یا تعهد به تملیک مالی به ثالث کند و یا ملتزم به وعده یک‌جانبه به نفع ثالث گردد، این ایجاب یا تعهد یا وعده یک‌جانبه، با لحاظ تفاوت‌های آنها ممکن است برای عقد مجانی یا معاوضی و یا عقد مجانی به شرط عوض به نفع ثالث باشد. با لحاظ مصادیق متعدد و متنوع تعهد به نفع ثالث که ذیل عناوین کلی خود قرار می‌گیرند، در واقع، ادعای استثنایی بودن تعهد به نفع ثالث در فقه امامیه و حقوق ایران وجهی ندارد. با وجود این، در مواردی که شخص نمی‌تواند در قراردادی نفعی را برای خود ایجاد نماید (مثل ربا و اخذ زیاده در قرض) در فقه امامیه و تبعاً، در حقوق ایران نیز نمی‌تواند چنین نفعی را برای ثالث ایجاد کند. مثلاً، در قرض، شرط زیاده در مقدار و یا صفت بر مقتض (قرض گیرنده) حرام و باطل است و فرقی ندارد که زیاده برای مقرض یا ثالث باشد. بر این اساس، اگر مثلاً مقرض بگوید دیناری به تو قرض می‌دهم به شرطی که درهمی را به زید هبه کنی یا هزینه مسجد کنی یا در مسجد تعمیر کنی، باطل خواهد بود. به سخن دیگر، ممنوعیت تعهد به نفع ثالث همان موارد ممنوعیت ایجاد نفع برای متعاقدین خواهد بود.



### ۳. وجود آینده و اهلیت شخص ذینفع ثالث

برابر ماده ۱۲۰۵ اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه: یکی از طرفین قرارداد (مشروط له) می‌تواند از طرف دیگر (مشروط علیه) درخواست نماید تا تعهدی را به نفع شخص ثالث (ذینفع) انجام دهد. شخص ثالث ممکن است یک شخص آینده باشد، اما باید دقیقاً معین شود یا در زمان انجام تعهد قابل تعیین باشد.

این ماده برخلاف دیدگاه‌های قرن نوزدهم لازم نمی‌داند که در زمان انعقاد قرارداد، شخص ثالث موجود باشد یا حتی نطفه‌ی او منعقد شده باشد. وجود این، بر این نکته تأکید می‌نماید که ذینفع باید در زمان اجرای تعهد به طور دقیق معین شده یا قابل تعیین باشد. طرفین قرارداد ممکن است نوعاً برای آینده نفعی را برای ثالث در نظر داشته باشند؛ هر چند ممکن است که کاملاً روشن نباشد که در آن زمان چه کسی دقیقاً از توافق آنها نفع خواهد برد یا در واقع، آیا اساساً هیچ ذینفعی در آن حال وجود خواهد داشت؛ در نتیجه، آنها همیشه به دنبال نام بردن از ذینفع در زمان انعقاد قرارداد نیستند. شرط دومی که این ماده مقرر داشته است، اهلیت شخص ثالث است. این شرط در واقع اهلیت تمتع و داشتن حق است، ولی اهلیت برای انعقاد قرارداد نیست. به این معنی که با این شرط شخص ثالث صرفاً حقی بدست می‌آورد و هیچ تکلیفی برای او ایجاد نمی‌شود. (Cartwright, 2009: 235-270)

حال سوال این است که آیا حقوق ایران به تبع فقه امامیه تعهد به نفع ثالث آینده را معتبر می‌دانند؟ و آیا در حقوق ایران به تبع فقه امامیه شخص ثالث باید اهلیت داشته باشد؟ به نظر پاسخ فقه امامیه در مصادیقی که بحث شده، روشن است. در عقد اجاره برای امور عام‌المنفعه مثل اجاره شخص برای تمییز نمودن مساجد یا تعمیر راهها (الموسوی، ۱۴۱۰: ۱۹۳) همچنین، در عقد صلحی که پیامبر اسلام بر نصارای ایله سبصد دینار جزیه تعیین و بر آنان تکلیف فرمودند، هر مسلمانی که از محل سکونت آنان گذر کند تا سه روز مهمان آنان باشد (الطوسی، بی تا: ۳۸). این شرط به نفع ثالث، یعنی عموم مسلمین است. این شرط اولاً، شرط به نفع ثالثی است که ذینفع آن مشخص و معین نیست، بلکه فردی از جمعیت مسلمانان بوده که در آن زمان مسلمان بودند یا در آینده مسلمان می‌شدند و ثانیاً، شامل مسلمانانی که در آینده به دنیا می‌آمدند نیز می‌شود. این توافق در حقوق اسلامی، منبع استنباط و تحلیل



مناسبتی برای بحث حاضر است که شخص ثالث می تواند شخص آینده باشد و اهلیت تمتع او کافی است. منتفع آن عموم مردم است.

#### ۴. قبول شخص ثالث و قول به تفصیل

اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ در مواد ۱۲۰۶، ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ به بحث قبول ثالث پرداخته و حکم آن را بیان نموده است.

ماده ۱۲۰۶ این قانون مقرر می دارد: شخص ثالث منتفع، حق مستقیم نسبت به موضوع تعهد و متعهد پیدا می کند. مع الوصف شارط می تواند آزادانه تا زمانی که ذینفع آن را قبول نکرده است، اقدام به رد نماید. در صورتی که قبول ثالث به اطلاع شارط یا مشروط علیه برسد، توافق به نفع ثالث، غیر قابل فسخ خواهد شد.

ماده ۱۲۰۷ این قانون مقرر می دارد: فسخ صرفاً ممکن است از سوی شارط یا پس از فوت او از سوی ورثه ی او صورت گیرد. ورثه پس از گذشت سه ماه از تاریخ اعلام به ذینفع ثالث، برای قبول شرط، می توانند توافق را فسخ نمایند.

در صورتی که ذینفع جدیدی انتخاب نشده باشد، حق فسخ مختص شارط و ورثه ی او خواهد بود.

فسخ توافق به نفع ثالث، به محض این که ذینفع ثالث یا مشروط علیه از آن مطلع گردند، مؤثر واقع می شود...

ماده ۱۲۰۸ این قانون مقرر می دارد: قبول شرط ممکن است از سوی شخص منتفع، یا پس از فوت او از سوی ورثه صورت گیرد. قبول می تواند صریح یا ضمنی باشد. قبول همچنین می تواند بعد از فوت مشروط علیه یا شارط صورت گیرد.

در حقوق ایران به نظر برخی، قبول ثالث نقشی در ایجاد تعهد به نفع ثالث ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۶۴). و به تعبیری، حتی در تملک به نفع ثالث حاجت به قبول منتقل الیه نیست و تعهدی که به نفع ثالث صورت می گیرد، در رابطه با ثالث ایقاع است، ولی از جانب ثالث قابل رد است (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۶۶-۱۶۷). برخلاف این نظرات، برخی برآنند که در تعهد به نفع یا ترک یا انتقال مال به ثالث، قبول لازم است. وگرنه تعهد به سود ثالث محقق نخواهد شد



و بدون اراده‌ی ثالث نمی‌توان مالی اعم از عین یا منفعت یا حق را داخل در دارایی او کرد (شهیدی، ۱۳۸۲: ۲۹۹). در عین حال، در پاره‌ای موارد مانند ابرا تحقق نفع برای ثالث بدون قبول او نیز محقق می‌گردد (همان، ۳۰۰).

برای بیان نظر قبول ثالث، بر مبنای مصادیقی که در فقه امامیه بیان شده است، مقدمتاً باید گفت از مجموع نظراتی که در مورد مظاهر نفس انسان بیان شده است، می‌توان گفت که مظاهر نفس آدمی می‌تواند غیر ارادی یا ارادی باشد و عمل ارادی او نیز دو قسم است. ۱- ارادیه‌ی انشایی و ۲- ارادیه‌ی غیر انشایی است. عمل ارادیه‌ی انشایی نیز دو قسم بوده و ممکن است در عالم تکوین و واقع و یا در عالم اعتبار باشد؛ اعمال ارادیه‌ی غیر انشایی نیز ممکن است در عالم واقع و به تبع، مصنوعات بشری بوده یا عمل ارادیه‌ی غیر انشایی به تبع اعمال حقوقی اعتباری، مثل اجرا و انجام تعهدات قراردادی باشد (پیرهادی، ۱۳۹۴: ۳۹).

براین اساس، با توجه به مصادیق مذکور در فقه امامیه، قبول ثالث ممکن است قبول انشایی باشد؛ مثل حالتی که تعهد به نفع ثالث تعهد به فعل حقوقی و ایجاب به نفع ثالث بوده و متعهد ملتزم به فروش مالی به مبلغی کمتر از قیمت واقعی به ثالث شده باشد. در این صورت، قبول ثالث برای تحقق نهایی نفع او ضروری است. از طرفی، در اجاره به نفع ثالث مثل خرید بلیط هواپیما برای ثالث، در واقع عقد اجاره‌ای بین خریدار بلیط و فروشنده منعقد و ذینفع آن شخص ثالث است. در این حالت، قبول انشایی ثالث مطرح نیست و نیازی به اراده‌ی انشایی ثالث نیست؛ لیکن عمل ارادی غیر انشایی ثالث مطرح است. ثالث می‌تواند از صندلی استفاده کند یا نکند. این عمل ثالث را نباید با رد و تنفیذ در عقد فصولی یکسان تلقی کرد. به عبارت دیگر، رد و تنفیذ در عمل فصولی اراده‌ی انشایی است، اما در این مثال اراده‌ی غیر انشایی ثالث مطرح است و لذا، اگر ابتدا بلیط را قبول نکند، اثری در عقد اجاره ندارد و قبول بعدی او نیز تنفیذ عقد اجاره نیست، بلکه استفاده از نفعی است که برای او محقق شده است. مضافاً، این که در مواردی نه تنها اراده انشایی ثالث مطرح نیست، بلکه حتی نیازی به اراده‌ی غیر انشایی او نیز وجود ندارد، به عنوان مثال در ابراء ذمه‌ی ثالث در نزد امامیه، شخص ثالث نیاز به ابراز اراده از هیچ نوعی را ندارد. بر این اساس، می‌توان گفت نظر امامیه در قبول ثالث جمع نظرات مخالف و موافق و به سخن دیگر قول به تفصیل است.



## ۵. استثنائات تعهد به نفع ثالث

در حقوق کامن لا در مقطعی که تعهد به نفع ثالث را استثنای بر اصل نسبی بودن قراردادها تلقی می‌کردند، استثناهای متعددی برای آن مطرح می‌نمودند. با گرایش برخی از کشورهای این نظام حقوقی، مثل آمریکا به تقسیم ذی نفع ثالث به طور کلی به منتفع طلبکار و متهب و اتفاقی قاعده‌انگاری تعهد به نفع ثالث، به نحوی محقق شده است. با وجود این، با توجه به قانون حقوق اشخاص ثالث در قراردادها مصوب ۱۹۹۹ انگلیس که عمدتاً ناظر بر امکان تقاضای اجرای تعهد از سوی ذی نفع ثالث است، وضعیت این استثنائات به نحو مبهمی دچار شده است. (Treitel, 2003: 651 & Stone, 2009: 193)

در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، و قاعده تلقی نمودن تعهد به نفع ثالث می‌توان گفت در مواردی که شخص نمی‌تواند در قراردادی نفعی را برای خود ایجاد نماید (مثل ربا و اخذ زیاده در قرض)، همچنین، نمی‌تواند چنین نفعی را برای ثالث ایجاد کند. به تعبیری در قرض، شرط زیاده در مقدار و یا صفت بر مقتض (قرض گیرنده) حرام و باطل است و فرقی ندارد که زیاده برای مقرض یا ثالث باشد. بر این اساس، اگر مثلاً مقرض بگوید، دیناری به تو قرض می‌دهم به شرطی که درهمی را به زید هبه کنی یا هزینه مسجد کنی یا در مسجد تعمیری کنی، باطل خواهد بود (الغیاض، ۱۴۱۹: ۳۵۴-۳۵۵ و الخراسانی، بی تا: ۱۹۶). به سخن دیگر، ممنوعیت تعهد به نفع ثالث همان موارد ممنوعیت ایجاد نفع برای متعاقدين خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

در حقوق نوین نظامهای غربی تمایل به قاعده‌انگاری تعهد به نفع ثالث در دکتین حقوقی مطرح و در مقررات موضوعه جدید منعکس شده است. همچنین، در این نظامهای حقوقی، مباحثی در ضرورت یا عدم ضرورت قبول ذینفع ثالث به نحو مبهمی مطرح شده است که با توجه به مصادیق این بحث در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، قول به تفصیل مرجح دانسته شد و وجود آینده ذینفع ثالث و عدم ضرورت اهلیت برای ذی نفع ثالث که در نظامهای غربی پذیرفته شده است، در حقوق ایران نیز بی تردید معتبر است. در حقوق ایران به تبع فقه امامیه، با توجه به مصادیق تعهد به نفع ثالث بی تردید می‌توان گفت که تملیک منفعت اعم از منفعت



شخص و شیء به نفع ثالث معتبر است. همچنین، تملیک عین به ثالث و تعهد به تملیک عین به ثالث نیز معتبر بوده و توافق به نفع ثالث ممکن است با زوال دعوی علیه ثالث و با تثبیت مالکیت بر اموال موضوع دعوا به نفع ثالث و یا تأدیه دین ثالث محقق گردد و تعهد به فعل، اعم از تعهد به فعل حقوقی مثبت و منفی و تعهد به فعل مادی مثبت و منفی و تعهد به فعل یا ترک فعل حقوقی عینی می‌تواند به نفع شخص ثالث مورد توافق قرار گیرد و تعهد به ایقاع و تعهد به ترک ایقاع و ایجاد حق یا اسقاط حق به نفع ثالث و ابراء دین ثالث به نفع ثالث و تعهد به امر احتمالی مثل تعهد به دادن نفقه ثالث یا دادن ربح مضاربه به ثالث و نظایر آن و تعهد به فعل حقوقی به نفع ثالث که شامل حالت ایجاب به نفع ثالث بوده و در نتیجه، اگر توافقی به نفع ثالث با عنوان ایجاب مالی به نفع ثالث صورت گیرد، بی‌تردید معتبر خواهد بود. مضافاً، وقتی تعهد به نفع ثالث و تعهد به ایجاب به نفع ثالث معتبر است، تعهد به مجموع این دو به صورت یک کاسه مثل تعهد یک‌جانبه به نفع ثالث نیز معتبر خواهد بود. در صورتی که در قرارداد پایه‌ای یک طرف متعهد گردد که ایجاب تملیک مالی را به ثالث ابراز نماید یا تعهد به تملیک مالی به ثالث کند و یا ملتزم به وعده یک‌جانبه به نفع ثالث گردد، این ایجاب یا تعهد یا وعده یک‌جانبه، با لحاظ تفاوت‌های آنها ممکن است برای عقد مجانی یا معاوضی و یا عقد مجانی به شرط عوض به نفع ثالث باشد. با لحاظ مصادیق متعدد و متنوع تعهد به نفع ثالث که ذیل عناوین کلی خود قرار می‌گیرند، در واقع ادعای استثنایی بودن تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران به تبع فقه امامیه وجهی ندارد. با وجود این، در مواردی که شخص نمی‌تواند در قراردادی نفعی را برای خود ایجاد نماید (مثل ربا و اخذ زیاده در قرض)، در فقه امامیه و تبعاً، در حقوق ایران نیز نمی‌تواند چنین نفعی را برای ثالث ایجاد کند. به سخن دیگر، ممنوعیت تعهد به نفع ثالث همان موارد ممنوعیت ایجاد نفع برای متعاقدين خواهد بود.

### تشکر و قدردانی

از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارد.



## منابع فارسی:

- امامی، سیدحسین (۱۳۷۱). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ یازدهم، انتشارات اسلامیة.  
- ایزانلو، محسن، (۱۳۸۶). «تعهد به فعل ثالث، فصلنامه حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۱، صص ۳۸-۱.  
- پیرهادی، محمدرضا (۱۳۹۴). عقود معینة، جلد اول در بیع و اجاره، به انضمام نوزده بحث تکمیلی در بیع، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات خرسندی.  
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۹). مجموعه محشی قانون مدنی، چ اول، کتابخانه گنج دانش.  
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، انتشارات گنج دانش.  
- شهیدی مهدی (۱۳۸۲). حقوق مدنی اثر قراردادها و تعهدات، ج ۳، چ اول، انتشارات مجد.  
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۴). «تقاضای اجرای قرارداد، توسط ذینفع ثالث در حقوق کامن لو با تأکید بر حقوق انگلستان، آمریکا و استرالیا»، مجله اندیشه های حقوقی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۳۶-۵.  
- صادقی، محمود (۱۳۸۳). تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس، ایران و فقه امامیه، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.  
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، نشر میزان.  
- قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا). با تصحیح و اهتمام: مرتضی رضوی، جامع الشتات (فارسی)، ج ۴، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.  
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). حقوق مدنی عقود معین، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش.  
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ دوم، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.  
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، چاپ اول، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.



### منابع عربى:

- الأنصارى، الشيخ مرتضى (١٤٢٠). كتاب المكاسب، جلد شش، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصارى.
- الإصفهاني، الشيخ محمد حسين (١٤١٨). حاشية المكاسب، جلد چهارم، الطبعة الأولى، المطبعة علمية صف و اخراج: دار المصطفى (ص) لإحياء التراث.
- الحلى، الحسن بن يوسف بن مطهر الأسدى (العلامة الحلى)، (١٣٧٢). تذكرة الفقهاء، جلد دهم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم.
- الخراساني، الشيخ وحيد (بى تا). تعليقيه بر منهاج الصالحين، ج ٣.
- الطباطبائي اليزدى، سيد محمد كاظم (١٤٢٠). العروة الوثقى، مع تعليقات عدّة من الفقهاء العظام، الجزء السادس، الطبعة الاولى، مؤسسه النشر الاسلامى قم.
- الطباطبائي اليزدى، سيد محمد كاظم (١٣٧٨). حاشية المكاسب، جلد دوم، مؤسسة إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، قم.
- الطوسى، ابو جعفر محمد بن حسن بن على (بى تا). المبسوط فى فقه الاماميه، ج ٢، المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
- الطوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن بن على (١٣٨٧). المبسوط فى فقه الإمامية، جلد سوم، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- الفياض، الشيخ محمد اسحاق (١٤١٩). تعليقيه بر منهاج الصالحين، جلد دوم، الطبعة الاولى، ناشر مكتب سماحه الحاج شيخ محمد اسحاق الفياض، قم.
- الموسوى الخمينى، سيد روح الله (١٤١٠). المكاسب المحرمة، جلد دوم، الطبعة الثالثة، الناشر: مؤسسة اسماعيليان.
- نراقى مولى، احمد (١٤١٧). عوائد الايام، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى، قم.

### منابع انگليسى:

- Cartwright, John, Stefan Vogenauer, Simon Whittaker (2009). **Reforming The French Law Of Obligations, Comparative Reflections On The Avant-Projet**



De Reforme Du Droit Des Obligations Et De La Prescription ('The Avant-Projet Catala'), First Ed., Bloomsbury Publishing.

-Hallebeek, Jan, Harry Dondorp (2008). **Contracts For a Third-Party Beneficiary**, a Historical and Comparative Account, Leiden, Boston,

-Stone, Richard (2009). **The Modern Law of Contract**, Eighth Edition, Routledge-Cavendish.

-Treitel, Sir Guenter (2003). The Law of Contract, Eleventh Edition, Sweet & Maxwell, In 2003.

-Zimmermann, Reinhard (1992). **The Law Of Obligations Roman Foundations Of The Civilian Tradition**, Reprinted, Juta & Co, Ltd Cape Town Wetton Johannesburg.